بسمه تعالی

نام ونام خانوادگی:	اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان دبیرستان غیردولتی پسرانه دکتر محمدشفیعی			**تاریخ امتحان:** ۱۴۰۲/۱۱/۱۴ **مهر مدرسه:**
نام دبیر یا طراح:فهمیده	**کلاس:**	**تعدادسوال:۵**	**تعدادصفحه:۲**	**مدت امتحان: ۱۰۰ دقیقه**
ساعت شروع:۸صبح	**شماره صندلی:**	**پایه: دوازدهم**	**شماره دانش آموزی:**	امتحانات ماهانه

سوال	سوالات نگارش۳	بارم
	الف- بازشناسی	**۲**
۱	**متن زیربخشی ازیک خاطره است آن را بخوانید وبه موارد خواسته شده پاسخ دهید .** **مرابه کلاس پنجم بردند ؛ بنابراین با فترتی که براثرمرگ پدر در تحصیلم پدید آمده بود دو سال عقب افتادم . مسیری که از خانه به مدرسه می پیمودم هر روز همان بود . کوچه های خاکی ، خانه ها با دیوارهای بلند ، دوچرخه ها که دِلنگ دلنگ زنان از کنار ما می گذشتند . خشکی هوای شهر رخوتی در فضا می نهاد . دبستان ما در محلّه ای بود که تعدادی درخت وجوی آب خشکیده ای داشت .** **آقای عقیلی ، معلّم ما ، با آنکه جُثّه ی کوچکی داشت ، با جذَبه وارد کلاس می شد . از همان روز اوّل حالت عبوس و جدّی خود را نشان داد .به ندرت می خندید . جزئیّات رفتارش را زیر نظر داشتم . او را معلّمی می دیدم که می بایست احترامش را داشت .** **مواد درسی ، طبق معمول عبارت بود از فارسی ، حساب ، آیات ، تاریخ وجغرافیا ،موسیقی و ورزش . تدریس همه ی این مواد ، به جز موسیقی و ورزش بر عهده ی آقای عقیلی بود .** **-موضوع :** **-زاویه ی دید :** **-شروع :** **-زبان نوشته :**	
	ب -سازه های نوشتاری (۴ نمره)	
۲	**حکایت زیر را بخوانید وآن را به زبان ساده بازنویسی کنید .** **" روزی شخصی نزد طبیب رفت و گفت : شکم من به غایت درد می کند ، آن راعلاج کن که بی طاقت شده ام . طبیب گفت : امروز چه خورده ای ؟ مریض گفت : نان سوخته . طبیب غلام خود را گفت : داروی چشم را بیاور تا در چشم او کشم ! مریض گفت : من درد شکم دارم ، داروی چشم را چه کنم ؟ طبیب گفت : اگر چشمت روشن بودی ، نان سوخته نخوردی ! "**	**۱**

دانلود از اپلیکیشن پادرس

۳	یکی از مثل های زیر را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید . -باز فیلش یاد هندوستان کرد - آفتاب پشت ابر نمی ماند	۱
۴	بیت زیر را بخوانید و دریافت خود را از آن بنویسید . آتش عشق است کاندر نی فتاد جوشش عشق است کاندر می فتاد	۲
	پ-نـــوشـــتـــن مـــتـــن (۱۴ نـــمـــره)	
۵	الف- یکی از موضوعات زیر را انتخاب کنید ودر مورد آن متنی بنویسید . -یکی از خاطرات به یاد ماندنی تان را بنویسید . -متنی ادبی درباره ی یکی از فصل های سال را بنویسید . -قطعه ادبی با موضوع " مادر " بنویسید . ب- رعایت علائم نگارشی در متن ج- رعایت املای صحیح واژگان و عبارات	۱۱ ۱ ۲
	مـــــوفـــــق بـــاشـــیـــد	

www-kanoon-ir

سوال	پاسخنامه	بارم
۱	خاطره ی دوران دبستان اول شخص یا شخصیت اصلی توصیف فضای اطراف مدرسه و شخصیت و رفتار معلم زبان ساده و صمیمی و بی تکلف	
۲	روزی فردی به نزد پزشکی رفت وگفت : معده من به شدت درد می کند ، آن را معالجه کنید زیرا که نمی توانم تحمل کنم . پزشک گفت : امروز چه چیزی خورده ای ؟ بیمار گفت : نان سوخته . پزشک به منشی خود گفت : داروی چشم را بیاورید تا در چشم او بریزم . مریض گفت : من معده درد هستم ، داروی چشم به چه درد من می خورد ؟ پزشک گفت اگر خوب می دیدی نان سوخته را نمی خوردی .	
۳	نظر همکاران گرامی صائب است	
۴	نظر همکاران گرامی صائب است	
۵	نظر همکاران گرامی صائب است	